

لعن‌شدگان در زیارت عاشورا و مصداق‌های امروزی آن

فاطمه الزهرا افشاری بادجانی

دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا (س)، اصفهان، پست الکترونیک: f.a.m.afshari@gmail.com

چکیده

زیارت عاشورا ملاک‌هایی را برای انسان مشخص می‌کند تا بتواند یزیدیان زمان خود را بشناسد و در جبهه‌ی حق قرار گیرد. این مقاله در صدد آن است که روزنه‌ای در پیش‌چشمان خواننده بگشاید تا بتواند با کمک این ملاک‌ها و با شناخت ویژگی یزیدیان سال ۶۱ هجری، یزیدیان قرن حاضر را بشناسد و با آن‌ها مقابله کند. با مطالعه‌ی کتاب‌های مختلف، این نتیجه حاصل شد که جریان‌هایی امروزی در پی ایجاد کربلایی دیگر هستند تا امام زمان (ع) را مانند جد بزرگوارشان شورشی و خارجی معرفی کرده و با این بهانه تشیع و آرمان‌های آن را تخریب کنند. در این مقاله دو نمونه از یزیدیان قرن حاضر آورده شده است که با هدف فریب مردم - به مثابه اهل کوفه - و هدایت آن‌ها در جهت تخریب شیعه و امام او، در پی نابودی جریان قدرتمند شیعه هستند.

واژه‌های کلیدی: زیارت عاشورا، لعن، امام حسین (ع)، صهیونیسم مسیحی، جریان‌های تکفیری

۱- مقدمه

حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات است. این سخن پیامبر (ص) به این معناست که ای کسانی که گرفتار و اسیر در دریای متلاطم نفس خود هستید، از حسین (ع) نور هدایت بخواهید و خود را به کشتی امن او برسانید. از این رو، امامان معصوم (ع) به شیعیان و محبان ایشان توصیه کرده‌اند که همواره از دور و نزدیک به سوی ابا عبدالله (ع) توجه کرده و او را زیارت کنند. اولین نوع زیارت امام حسین (ع)، زیارت مستقیم مرقد مطهر ایشان از نزدیک می‌باشد و اصل زیارت هم این است که زائر رنج سفر را به جان بخرد و به زیارت ایشان مشرف شود.

اما از آنجا که این نوع زیارت همیشه و برای همه کس میسر نیست، ائمه اطهار (ع) راه‌های دیگری را هم برای زیارت به شیعیان خود توصیه کرده‌اند. امام باقر (ع) نحوه‌ی زیارت از راه دور را به علقمه این‌گونه بیان کرده‌اند که زائر ابتدا به امام (ع) سلام داده و بر قاتلان ایشان لعن و نفرین بفرستد و بر مصیبت امام (ع) گریه کند (طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق).

آیت‌الله شیخ عبدالنبی‌اراکی اعتقاد دارد که، زیارت عاشورای معروف از احادیث قدسیه به شمار می‌رود (اسکندری، ۱۳۹۳). صفوان، این زیارت را از امام صادق (ع) بیان می‌کند که امام (ع) به او فرمودند: «ای صفوان این زیارت را با این ضمان از پدرم شنیدم و پدرم از پدرش علی‌بن‌الحسین (ع) شنیده با همین ضمان و علی‌بن‌الحسین (ع) از حسین (ع) با همین ضمان و حسین (ع) از برادرش حسن (ع) با همین ضمان و حسن از پدرش امیرالمومنین (ع) با همین ضمان و امیرالمومنین از رسول خدای (ص) با همین ضمان و رسول خدا از جبرئیل (ع) با همین ضمان و جبرئیل از خدای عزوجل با همین ضمان» (الطهرانی، ۱۳۸۳: ۳۹).

در زیارت عاشورا به تویی و تبری توجه ویژه‌ای شده است. تولاّی که ریشه در توحید دارد و در وجود شیعه است و تبری، صلاحی دیگر برای صیانت و رشد و نبوغ تویی است و آن هم ریشه در توحید دارد. این دو، ارکان مهم ایمان از نظر رسول خدا (ص) هستند. ایشان به اصحاب خود فرمودند: «محکم‌ترین دستاویزهای ایمان، دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا، پیروی از دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا است.» (عادل - پور، ۱۳۸۱).

در زیارت عاشورا علاوه بر تویی و بیان سلام و تحیت، لعن‌هایی هم وجود دارد. واژه‌شناسان و مفسران معتقدند که واژه‌ی لعن به معنای طرد و ابعاد، از روی خشم می‌باشد. خداوند افرادی که حقیقت را کتمان می‌کنند و پیامبر (ص) هم هنگامی که فرمودند: «خدا لعنت کند کسانی را که به لشکر اسامه نپیوندند» برخی از هم‌عصران خود را لعن کرده است. بنابراین؛ اگر مسلمانی این افراد را لعن کند، در واقع با خدا و رسول او هم صدا شده - است (قرآن، بقره: ۱۵۹، شکرانی، ۱۳۸۱).

لعن گفتن، مقوله‌ای متفاوت از دشنام‌دادن است و دشنام‌دادن از نظر امام علی (ع) در شأن یک مسلمان نیست هم‌چنان که ایشان در نهج‌البلاغه فرمودند: «من دوست ندارم که از دشنام دهندگان باشید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۶: ۳۰۴). نام‌هایی که در زیارت عاشورا بیان و لعن شده - اند؛ جدا از این که نام اشخاص باشند، اشاره به شخصیت‌هایی دارند که در همه‌ی زمان‌ها وجود دارند و مسلمانان باید آن‌ها را بشناسند و لعنت کنند (طاهرزاده، ۱۳۸۹).

در پژوهش‌های انجام شده، در مورد نسخه‌های مختلف، سند و شرح زیارت عاشورا مطالب زیادی بیان شده است؛ اما به علت لعن افراد در زیارت عاشورا، چرایی لعن آن‌ها و مصداق‌های امروزی آن‌ها توجه کمتری شده است. این مقاله به علت لعن و شرح فرازهایی از زیارت عاشورا که در آنها لعن بیان شده است، اشاره کرده و در آخر، کسانی را که در دنیای امروز مصداق‌های آن لعن‌ها هستند؛ معرفی می‌کند. زیارت عاشورا، معیاری را در جلوی انسان می‌گذارد تا در هر زمان، آل زیاد و آل مروان و یزیدیان زمان خود را بشناسد و در نبرد بین حق و باطل، در جبهه‌ی حق قرارگیرد و اجازه ندهد امام زمانش، امام مهدی (عج)، مانند جد بزرگوارش غریب بماند و او را یاری می‌کند. هدف نویسنده آن است که به کمک مفاهیم بلند و عرفانی زیارت عاشورا، روزنه‌ای هر چند کوچک در پیش چشمان خواننده بگشاید تا او بتواند مصداق لعن‌های زیارت عاشورا را در زمان خود بیابد و مانند امام حسین (ع) در مقابل آن‌ها بایستد.

۲- لعن شدگان در زیارت عاشورا

زیارت عاشورا از جمله زیاراتی است که کمتر مسلمان شیعه‌ای را می‌توان یافت که با آن مأنوس نباشد و در خلوت خود آن را زمزمه نکرده باشد. آنچه در این زیارت به تکرار بیان شده است؛ لعن بر قاتلان و مسببان شهادت امام حسین (ع) است. لعن‌های زیارت عاشورا به افرادی با ویژگی‌های خاصی اشاره دارد که هر فرد برای شناخت این شخصیت‌ها در هر زمان ابتدا باید شناختی کلی در مورد ویژگی‌های این شخصیت‌ها داشته باشد، تا بتواند مصداق‌یابی کند. برای شناخت ویژگی‌های این افراد، باید فرازهایی از زیارت عاشورا را که در آن لعن بیان شده است مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱- «لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيَّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» امتی که اولین بار ظلم و جور بر اهل بیت (ع) تاسیس کردند:

مراد از کسانی که برای اولین بار ظلم و جور بر اهل بیت (ع) را تاسیس کردند، آن‌هایی هستند که در روز وفات پیامبر (ص) قبل از غسل و کفن ایشان، به طلب خلافت و ریاست رو به سقیفه‌ی بنی‌ساعده گذاشتند. اگر آن‌ها حق را تمکین می‌کردند و آن را به صاحبش می‌سپردند، عدل اتفاق می‌افتاد و این خون‌ها به ناحق ریخته نمی‌شد. جواز لعن این افراد را که برای اولین بار ظلم بر پیامبر (ص) و اهل بیت او را تاسیس کردند و باعث آزار آن‌ها شدند؛ با توجه به آیات قرآن و کتب اهل سنت می‌توان استنباط کرد. در تفسیر آیه‌ی ۵۷ سوره احزاب در کتاب تفسیر نمونه آمده است که کسی که پیامبر (ص) را آزار دهد مورد لعن خداوند واقع می‌شود و آزار دادن خاندان پیامبر (ص) به خصوص دخترش فاطمه الزهرا (س) و علی (ع) نیز مشمول همین آیه است. در کتب صحاح مورد قبول اهل سنت هم به این نکته اشاره شده است (بخاری، ۱۳۹۲، القشیری، ۱۳۹۳). در ماجرای فدک، ابوبکر بن ابی‌قحافه، فاطمه (س) را خشمگین کرده و عمر بن خطاب هم به خانه‌ی ایشان حمله کرد. پس نتیجه می‌گیریم که هر کس فاطمه (س) و علی (ع) را خشمگین کند، پیامبر (ص) را خشمگین کرده و هر که پیامبر (ص) را خشمگین کند خدا را خشمگین کرده است و خدا او را در دنیا و آخرت لعنت کرده است.

۲-۲- «لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَلَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعْنُ اللَّهِ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ» کسانی که اهل بیت (ع) را از مقامی که خدا برایشان قرار داده بود، دور کردند و افرادی که برای جنگ با امام (ع) تدارک دیدند:

لعنت خدا بر آن اندیشه‌ای که پذیرش شما در بین مردم را از بین برد و شما را از صحنه‌ی جامعه کنار زد. منظور از مقام و مرتبتی که خدا برای ائمه (ع) قرار داده است؛ حکومت دنیوی بوده که مشروط به اراده و خواست مردم بود و هنگامی که مردم در انتخاب حق تردید کردند؛ این نعمت از آن‌ها سلب شد و این دور شدن از صحنه‌ی جامعه، حکومت دنیوی آن‌ها است زیرا حکومت معنوی ائمه (ع) همواره برقرار است. این فراز، ما را متوجه‌ی صورت‌های مختلفی از نفاق در جامعه می‌کند که به صورت مستقیم و غیر مستقیم زمینه‌های لازم برای مبارزه با اهل بیت (ع) را فراهم کردند. «والله ما كربلا لولا السقیفه و الاحیاء تعلم لو لا النار ما الحطب» به خدا سوگند اگر سقیفه نبود، کربلا هم نبود و هوشیاران می‌دانند که اگر آتش نباشد ذغال درست نمی‌شود (الطهرانی، ۱۳۸۲: ۲۱۰).

۲-۳- «لَعْنُ اللَّهِ آلَ زیاد» آل زیاد:

زیاد را به دلیل نداشتن پدر به نام‌های مختلفی خوانده‌اند از جمله: زیاد بن ابیه، زیاد بن عبید، زیاد بن آمنه، زیاد بن سمیه. بعد از آن که معاویه با نیرنگ او را در مسجد رسماً برادر خود خواند، به زیاد بن ابوسفیان مشهور شد. زیاد در ابتدا کاتب ابوموسی‌اشعری بود و کارهایش را با کفایت انجام می‌داد و بعد از به حکومت رسیدن امام علی (ع) چون کار ناشایستی انجام نداده بود و از لحاظ زیرکی ممتاز بود، امام (ع) او را به

عنوان حاکم فارس منصوب کرد. در زمان امام علی (ع) معاویه هر چه تلاش کرد نتوانست او را فریب دهد و او تا آخر حکومت امام (ع) پایبند ماند. بعد از شهادت امام علی (ع) معاویه با فریب دادن او و معرفی او به عنوان برادر خود، توانست او را به سمت خود بکشد. زیاد بعد از پیوستن به معاویه جنایات زیادی را مرتکب شد. او شیعیان امام علی (ع) را در کوفه و بصره دستگیر می‌کرد و به شهادت می‌رساند و دست و پایشان را می‌برد و میل در چشمانشان می‌کرد. در اینجا لعن بر آل زیاد شامل خود زیاد هم می‌شود چون او به افعال پسرش عبیدالله راضی بوده و هر کس بر انجام ظلمی راضی باشد، مثل آن است که خود آن را انجام داده است. پس به همان دلیلی که لعن بر عبیدالله جایز است، بر زیاد هم جایز است.

۴-۲- «آل مروان» آل مروان:

مروان پسر حکم‌بن‌عاص بن‌امیه بن‌عبدالشمس بن‌عبدالمناف است. حکم عموی عثمان بن‌عفان بود. او آشکارا پیامبر (ص) را اذیت می‌کرد و پیامبر (ص) هم او و پسرش را به طائف تبعید کرد. در زمان خلفای اول و دوم، عثمان هرچه تلاش کرد نتوانست آن‌ها را باز گرداند ولی وقتی به حکومت رسید آن‌ها را به مدینه باز گرداند و علناً با حکم پیامبر (ص) مخالفت کرد. در جلد هشتم کتاب‌الغدیر علامه امینی، عایشه به نقل از پیامبر (ص) روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «خدا لعنت کند پدر مروان را که مروان در صلب اوست پس مروان قطعه‌ای از لعنت خداست.» مروان در جنگ جمل به همراه عایشه شرکت کرده و طلحه را که از جنگ منصرف شده بود به قتل رساند. او در زمان حکومت عثمان کتابت او را عهده دار شده و زمینه قتل او را فراهم کرد. مروان در هر جا به حکومت می‌رسید بر سب و دشنام علی (ع) می‌پرداخت. او عبیدالله را در برابر توأبین پناه داده و او را مجهز کرد. «بعد از مروان، عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید، یزید بن ولید و مروان بن محمد به ترتیب هفتاد سال حکومت کردند.» (عادل پور، ۱۳۸۱).

۵-۲- «لَعْنَةُ اللَّهِ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً» تمام بنی امیه:

امیه برده‌ای رومی بود که عبدالشمس او را به پسر خواندگی خود در آورد و در اصل بنی‌امیه دارای نسب رومی بوده و از قریش نیستند. در زیارت عاشورا ابتدا آل مروان و سپس بنی‌امیه لعنت شده‌اند که ذکر بنی‌امیه بعد از آل مروان در اصطلاح، ذکر عام بعد از خاص است. در جلد هشتم کتاب‌الغدیر علامه امینی خوابی از پیامبر (ص) نقل شده است که ایشان در خواب دیدند که میمون‌هایی از منبر شان بالا و پایین می‌رفتند و آن خواب پیامبر (ص) را به اندازه‌ای ناراحت کرد که بعد از آن کسی ندید که ایشان در مجمعی بخندند. در تفسیر آیه‌ی ۶۰ سوره اسراء در تفسیر نمونه، مفسران شیعی و سنی نقل کرده‌اند که منظور از شجره ملعونه همان بنی‌امیه هستند که حکومت را یکی پس از دیگری بدست گرفته و از هم تقلید می‌کنند. آیه‌ی ۲۷ و ۲۸ سوره ابراهیم و آیه ۳ سوره قدر نیز به بنی‌امیه اشاره دارند.

در این فراز، مراد از همه‌ی بنی‌امیه تمام کسانی هستند که منتسب به این خاندان بوده، در افعال و گفتار همراه آن‌ها بوده‌اند و از غضب ولایت تا وقایع عاشورا از هیچ بغض و کینه‌ای نسبت به اهل بیت (ع) دریغ نوزیدند. بنی‌امیه (فرزندان امیه) به معنای حقیقی، مصداق بسیار کمی دارند زیرا؛ اکثر افرادی که به بنی‌امیه منسوب هستند، حرام زاده‌اند.

شیخ مفید در کتاب اختصاص خود نقل کرده است که پسر عبدالملک بن عبدالعزیز بن عبدالملک بن مروان (پسر برادر عمر بن عبدالعزیز) گریان بر محضر امام باقر (ع) وارد شد. حضرت فرمودند: ای سعد! چرا گریه می‌کنی؟ او گفت: چگونه گریه نکنم که از مصادیق شجره‌ی ملعونه‌ای هستم که در قرآن بیان شده است. امام (ع) فرمودند: تو از آنها نیستی. هر کس از ما پیروی کند جزء ما محسوب می‌شود (شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ ق).

۶-۲- «لَعْنَةُ اللَّهِ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ شِمْرًا وَ لَعْنَةُ اللَّهِ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ الْجَمْعُ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ» ابن‌مرجانه و

عمر بن سعد و شمر و کسانی که اسب‌ها را زین کردند برای پیکار با امام حسین (ع):

منظور از ابن‌مرجانه همان عبیدالله بن زیاد است و ذکر او هم با نام پدر و هم با نام مادر در زیارت عاشورا، برای بیان پستی و رذالت او از ناحیه‌ی پدر و مادرش می‌باشد. علت دو بار لعن او نیز به دلیل نقش فعالش در واقعه عاشورا و خبث مولد اوست زیرا؛ عنوان آل زیاد و بنی‌امیه بر او منطبق نیست. او کسی است که سب و دشنام بر علی (ع) را ترویج داده و به روش پدرش، شیعیان را به قتل می‌رساند. او در ابتدا والی بصره بود و بعد از به حکومت رسیدن یزید، در سمت خود باقی ماند و یزید او را به عنوان والی کوفه هم منصوب کرد. عبیدالله مسلم بن عقیل (ع) را به شهادت رساند و فرمان قتل امام حسین (ع) و یارانش و اسارت خانواده‌اش را به عمر سعد ابلاغ کرد.

عمر سعد پسر سعد بن ابی وقاص بوده و در روز فوت عمر بن خطاب به دنیا آمد. امام علی (ع) هنگامی که با او روبرو می‌شد، می‌فرمود: «وای بر تو ای سعدا چگونه خواهی بود در روزی که بین جنت و نار (حسین (ع) و حکومت ری) تردید کنی و در آخر جهنم را انتخاب نمایی؟» (البحرانی، ۱۴۱۱ هـ.ق). او نخستین تیر را به سوی لشکر امام (ع) پرتاب کرد و فرمان داد تا بر بدن امام (ع) اسب بتازند.

شمر پسر ذی الجوشن، صاحب سپر، بود. شمر در جنگ صفین در سپاه امام علی (ع) بود ولی بعد به خوارج پیوست. در کربلا فرماندهی جناح چپ یزید را بر عهده داشت و هنگامی که عمر سعد از جنگ منصرف شده بود، به نزد عبیدالله رفت و او را مجاب کرد تا جنگ با حسین (ع) را ادامه دهد و فرماندهی سپاه را به او بسپارد. او سر امام حسین (ع) را از بدنش جدا کرد و مسئول حمل سرها بود و با دوازده نفر از افرادش به خیمه‌های امام (ع) حمله کرد.

۲-۷- «اللَّهُمَّ الْعَنُ أَبَاسُفِيَانَ وَ مَعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مَعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبَدِينَ» ابوسفیان و معاویه و یزید بن معاویه:

صخر بن حرب بن امیه، معروف به ابوسفیان از بازرگانان معروف قریش بود. او در جنگ بدر و احد در مقابل پیامبر (ص) ایستاد و در فتح مکه اسلام آورد. او تمام جنگ‌های قریش را بر ضد اسلام رهبری می‌کرد. او دارای فرزندان متعددی بود که معروف‌ترین آن‌ها معاویه، بنیانگذار خلافت اموی، بود. مادر معاویه هند جگر خوار بوده و ابن ابی‌الحدید (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۸). او در فتح مکه به ظاهر اسلام آورد. معاویه عهد خود را در برابر امام حسن (ع) شکست و یزید را جانشین خود کرد. او سب بر علی (ع) را ترویج نمود و اولین کسی بود که اقدام به قتل در خاندان پیامبر (ص) کرده و امام حسن (ع) را مسموم نمود. پیامبر (ص) در رابطه با او فرمودند: «هرگاه معاویه را بر منبر من مشاهده کردید او را به قتل برسانید.» (البلاذری، ۱۴۱۷ هـ.ق) مادر یزید میسون نام داشت. میسون یهودی بود و یزید تحت تعلیم برادران مادر خود قرار گرفت و کاملاً با عقاید یهودی بزرگ شد. او سه سال حکومت کرد و در این سه سال اعمال ننگینی انجام داد. در سال اول امام حسین (ع) و یارانش را به شهادت رساند، در سال دوم به مدینه حمله کرد و شهر پیغمبر (ص) را برای لشکریانش مباح ساخت و در سال سوم منجنیق به کعبه بست. درباره‌ی جواز لعن بر یزید به قرآن مراجعه می‌کنیم. «هر کس مومنی را از روی عمد بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن جاودانه خواهد بود و خدا بر او خشم گیرد و وی را لعنت کند و عذابی بزرگ برایش آماده سازد.» (قرآن، نساء: ۹۳). چون یزید گروهی از مومنین و سید جوانان اهل بهشت را به عمد و قهر کشته است؛ مصداق کامل لعن خدا خواهد بود.

۲-۸- «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ أِبْدَاءُ بِهِ أَوْلَا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّلَاثَ وَ الرَّابِعَ» اولی، دومی، سومی و چهارمی:

در کتاب شفاء الصدور فی شرح زیاره عاشور آمده است که منظور از اولی، ابوبکر بن ابی‌قحافه است که در شورای سقیفه خلافت را از علی (ع) غصب کرد، دومی عمر بن خطاب که اولین بیعت کننده با ابوبکر و عامل به آتش کشیدن خانه‌ی وحی بود و سومی عثمان بن عفان است که در شورای شش نفره به خلافت منصوب شد و چهارمی معاویه است.

علامه قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المومنین در حالات مرحوم شیخ طوسی آورده است که مخالفان به خلیفه خبر رساندند که او صحابه را لعن می‌کند و کتاب مصباح او مؤید این مطلب است. خلیفه شیخ طوسی را احضار کرده و از او پرسش کرد و او به جهت تقیه این‌گونه پاسخ داد که منظور از اولی قابیل، دومی کشنده‌ی ناقه صالح، سومی قاتل یحیی بن زکریا و چهارمی ابن‌ملجم مرادی است.

۳- مصداق‌های امروزی لعن‌ها

زیارت عاشورا پنجره‌ی روشنی را برای شناخت شخصیت‌ها در همه‌ی زمان‌ها به روی انسان می‌گشاید و ملاک‌هایی را مشخص می‌کند تا هر کس بتواند این شخصیت‌ها را در زمان خود بشناسد. زیارت عاشورا برای تمام تاریخ است و امروزه جهان با دو پدیده‌ی بزرگ روبه‌رو شده است که با هدف نابودی شیعه و جریان تشیع ایجاد شده‌اند و فعالیت می‌کنند. تاریخ در حال تکرار است و صهیونیسم مسیحی و جریان‌های تکفیری، همان یزیدیان سال ۶۱ هجری هستند که در مقابل امام زمان خود ایستاده‌اند و در پی از بین بردن آرمان‌های او هستند.

۳-۱- صهیونیسم مسیحی:

صهیون واژه‌ای کنعانی و نام تپه‌ای در اورشلیم یا بیت‌المقدس است که سکنه‌ی قدیمی آن کنعانیان بودند. صهیونیسم به عنوان حاصل یک تفکر سیاسی و دینی که در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی طرح گردید، توانست به یک جریان فکری و سیاسی قدرتمند میان یهودیان و غیر یهودیان به خصوص مسیحیان تبدیل شود.

پروتستان‌های مسیحی مکتبی نو ظهور به عنوان صهیونیسم مسیحی را ایجاد کردند؛ با هدف اینکه حوادثی در جهان اتفاق بیافتد تا مسیح موعود ظهور کند. حوادثی از قبیل؛ آمدن یهودیان به فلسطین و ایجاد کشور اسرائیل، انهدام دو مسجد اقصی و صخره در بیت‌المقدس و ایجاد یک معبد بزرگ به جای آن دو، جنگ با ضد مسیح (به اعتقاد آن‌ها امام زمان (ع)) و ایجاد یک حکومت واحد جهانی.

بنابر اعتقاد مسیحیان صهیونیسم، یک جنگ بزرگ اتفاق می‌افتد که در آن مهدی (ع) به عنوان اصلی‌ترین شخصیت ضد مسیح، با تکیه بر یاران مسلمانان به جنگ با مسیح موعود و یارانش می‌پردازد. آن‌ها معتقدند این جنگ جهانی با محوریت مهدی (ع) به وسیله بمب اتم اتفاق می‌افتد و لذا آن‌ها تلاش می‌کنند قضیه دستیابی ایران به انرژی اتمی و مخالفت با اسرائیل را با موعود باوری به هم پیوند دهند و نبرد غرب را به عنوان مبارزه با جنگ طلبی و تروریسم معرفی کنند (بالادستیان، حائری پور، یوسفیان، ۱۳۹۲).

امروزه هدف از اشغال عراق توسط آمریکا و اسرائیل مشخص شده است. هدف اسرائیل نابودی اسلام و به ویژه تشیع است و آنها در صدد هستند که جنگی بر پا کنند تا به وسیله آن، قدرت را در جهان اسلام جابه جا کرده و از دست شیعه خارج کنند و به دست اهل تسنن و وهابیت بدهند (منصوریان، ۱۳۸۳). روشن است که مهدی‌ستیزان در این طرح خائنه می‌خواهند مهدویت را که بشارت قرآن است به جریانی ضد صلح و امنیت و دشمن مسیح و جریان نبوت معرفی کنند تا مهدویت به عنوان ضد مسیح مطرح شده و به این وسیله گروه‌های مومن در همه‌ی دنیا و حتی مسلمانان، در مقابل مهدویت قرار گیرند.

۲-۳- جریان‌های تکفیری:

امروزه جهان با پدیده‌ای به نام تکفیر روبه‌رو شده است. تکفیر به معنای آن است که یکی از اهل قبله و مسلمانی را به کفر نسبت دهند. این جریان بر آمده از تفکر سلفی‌گری و افراطی و تبلیغ وهابیت در میان اهل تسنن است. این جریان متاثر از برداشت‌های نادرست از اسلام و با پشتوانه‌ی نفتی چند کشور عربی و سیاست‌های آمریکا و اسرائیل تشکیل شده و علاوه بر ایجاد شکاف در بین مسلمانان، عاملی برای بروز جنگ‌ها و تضادها و کشتارها و قتل عام مسلمانان در کشورهایی مثل لبنان، فلسطین، سوریه، افغانستان، پاکستان و بحرین تبدیل شده است. جریان‌های تکفیری امروزه در گروه‌های مختلفی مثل داعش، النصرة، بوکوحرام، انصارالاسلام و انصارالدین در کشورهای اسلامی متبلور شده است. این تیمیه در قرن ۸ هجری و محمدبن‌عبدالوهاب در دوران معاصر جریان‌های تکفیری را ایجاد کرده‌اند که عمده‌ی نظر آن‌ها تکفیر شیعیان و کشتن آن‌ها و مخالفت با اهل بیت (ع) است. جریان‌های تکفیری نام شام را برای سوریه انتخاب کرده‌اند که این نشان دهنده‌ی آرمان آن‌ها یعنی بازگشت به دوران اقتدار اموی است (کریم خانی، ۱۳۹۳).

جریان‌های انحرافی و فرصت طلب خوارج که پس از جنگ صفین به وجود آمدند و افرادی هم‌چون شمر از آن‌ها بود؛ به خدمت حکومت بنی‌امیه در آمده و با ترویج خرافات و سوء استفاده از جهل و نادانی مردم، آن‌ها را علیه اسلام و اهل بیت (ع) شوراندند. تکفیر مخالفان، فهم ناقص و نادرست از دین، دشمنی با اهل بیت و مذهب تشیع و ایجاد خشونت و ارباب از مهم‌ترین شباهت‌های جریان‌های تکفیری امروز با خوارج صدر اسلام است. این جریان باعث ایجاد تصویری خشن و تند از اسلام در جهان شده است و در پی نابودی شیعه و جریان تشیع است.

۴- نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده، نشان داد که برخلاف نظر عموم مردم در مورد ناپسند بودن لعن کردن؛ این عمل به عنوان یکی از فروع دین اسلام، بسیار مورد اهمیت است زیرا؛ قلب سالم قلبی است که در عین محبت به اولیای الهی، از بدی‌ها و زشتی‌ها متنفر باشد. همان‌طور که فرد به سلام و درود و اظهار محبت به اهل بیت (ع) علاقه دارد؛ به همان اندازه از دشمنان و افرادی که باعث آزار آن‌ها شده‌اند متنفر است و این اوج علاقه به اهل بیت (ع) را می‌رساند. در زیارت عاشورا این سلام و لعن به طور بارز متبلور شده است و این زیارت یکی از نمونه‌های بارز توتلی و تبری است. امروز صحنه‌ی دیگری از کربلا است. در جبهه‌ی مقابل دشمن با سرعت زیادی در پی تخریب شیعه و امام اوست. گروه‌هایی که مصداق بارز این لعن‌ها هستند، خود را برای مبارزه با امام عصر (عج) آماده می‌کنند. شیعه دین خونخواهی و انتقام است و تاریخ او را به این سمت حرکت می‌دهد که با سوز این انتقام، شکوه خود را حفظ کرده و با اصحاب کربلا همراه شود و در جبهه‌ی فرماندهی امام زمان (عج) قرار گیرد. ما باید بتوانیم مصداق‌های یزیدیان زمان خود را بشناسیم و امام زمانمان را یاری کنیم و از شیعه و تشیع دفاع نماییم تا کربلای دیگری اتفاق نیفتد.

۵- مراجع:

- [۱] ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن‌هبه‌الله، شرح نهج‌البلاغه، جلد ۱، تهران، کتاب نیستان، ۱۳۸۸
- [۲] اسکندری، حسین، گنج پنهان چکیده‌ی ای از اسناد، اثرات و آداب زیارت عاشورا، قم، سماء قلم، ۱۳۹۳
- [۳] امینی، عبدالحسین، الغدیر، ترجمه اکبر، ثبوت، جلد ۸، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۸۶



دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

دی ماه ۱۳۹۹ - تهران

- [۴] بالادستیان، محمدامین، حائری پور، محمدمهدی و یوسفیان، مهدی، نگین آفرینش (۲) در سنامه دوره مقدماتی معارف مهدویت، جلد ۲، دوم، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲
- [۵] البحرانی، هاشم، مدینه المعجز معاجز آل‌البیت، جلد ۲، بیروت، النعمان، ۱۴۱۱ هـ ق
- [۶] بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح بخاری، ترجمه عبدالعلی، نوراحراری، جلد ۴، دوم، تربت جام، شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۹۲
- [۷] البلاذری، احمدبن یحیی بن جابر، جمل من انساب الاشراف، جلد ۵، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ ق
- [۸] شکرانی، رضا، بررسی لعن در زیارت عاشورا در قرآن، کوثر، شماره ۵، صفحه ۱۱-۱۹، اصفهان، ۱۳۸۱
- [۹] شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین (۲۱)، جلد ۱ و ۲، چهارم، تهران، الاسلامیه، ۱۳۷۷
- [۱۰] شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، اختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ ق
- [۱۱] طاهر زاده، اصغر، زیارت عاشورا اتحاد روحانی با امام حسین (ع)، هفتم، اصفهان، لب‌المیزان، ۱۳۸۹
- [۱۲] طوسی، محمدبن حسن، مصباح‌المتهدج و سلاح‌المتعبد، جلد ۱، بیروت، فقه‌الشیعه، ۱۴۱۱ هـ ق
- [۱۳] الطهرانی، ابوالفضل، شفاء الصدور فی شرح زیاره العاشور، دوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۲
- [۱۴] عادل پور، محمدحسین، شرح زیارت عاشورا همراه با نکته‌ها و کرامت‌ها، قم، الامام‌المنتظر (عج)، ۱۳۸۱
- [۱۵] علی بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه زیر نظر محقق آیت‌الله مکارم شیرازی، جلد ۱، دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰
- [۱۶] علی بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه زیر نظر محقق آیت‌الله مکارم شیرازی، جلد ۲، هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸
- [۱۷] علی بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه زیر نظر محقق آیت‌الله مکارم شیرازی، جلد ۳، دوازدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱
- [۱۸] قرآن، ترجمه‌ی حسین انصاریان، قم، آیین دانش، ۱۳۸۸
- [۱۹] القشیری، ابوالحسین مسلم‌بن‌الحجاج، صحیح مسلم، ترجمه خالد، ایوبی نیا، جلد ۱، ارومیه، حسینی اصل، ۱۳۹۳
- [۲۰] کریم خانی، اصغر، نقش جریان‌های خارجی در واقعه عاشورا، کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ۱۷۵ صفحه، ۱۳۹۳
- [۲۱] منصوریان، محمد علی، صهیونسیم مسیحی (Christian zionsism) و جهان اسلام، کتاب نقد، شماره ۳۲، صفحه ۲۱۷-۲۳۲، تهران، ۱۳۸۳
- [۲۲] قمی، عباس، کلیات مفاتیح‌الجنان، ترجمه مهدی محی‌الدین، الهی قمشده‌ای، یازدهم، قم، نشتا، صفحه ۶۸۸-۶۹۳، ۱۳۹۱
- [۲۳] نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، آفرینه، ۱۳۹۳